



۲۰۲۰/۰۲/۲۹



مرجان کمال

برگشت به یادداشت های پراکنده

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت سیزدهم



اندر تن من جان و رگ و خون همه اوست
بی چون باشد وجود من، چون همه اوست

اندر دل من درون و بیرون همه اوست
این جا چگونه کفر و ایمان جنگد



دولت در چه حال است

(Quid de l'Etat)

در هنگامی که انتخابات ریاست جمهوری سال 2014 میلادی برگزار شد، در عین زمان تصمیم خروج نیرو های ناتو و تقلیل نیرو های امریکایی، می توانند دلیل مؤثر و منطقی برای بلند رفتن خشونت های مسلحانه گروهی باشند.

اوضاع و شرایط انتخابات در حقیقت نشان دهنده یک موقف بی ثباتی بوده که اختلافات و تضاد ها در آن موقع در سیستم سیاسی به اندازه شدت اختیار می نماید که به یک بحران سیاسی می انجامد.

در زمان انتخابات ریاست جمهوری سال 2009 میلادی نیز عین واقعه به وقوع پیوست، و کاندید مغلوب در مقابل حامد کرزی، یعنی عبدالله عبدالله، نتایج انتخابات را مورد انتقاد قرار داد.

در سال 2014 میلادی باز هم عین سناریو یا عین صحنه اعتراضات، مشاجره و مجادله توسط کاندید مغلوب به راه انداخته شد.

دو نیم ماه بعد از انتخابات دوره دوم به تاریخ 29 سپتامبر سال 2014 میلادی، بحران راه حل خود را در نتیجه یک موافقه که عبارت از خلق نمودن چوکی ریاست اجرائیوی بود که برای عبدالله عبدالله تخصیص داده شد، دریافت نمود. با این همه دولت جدید به نام حکومت وحدت ملی که ریاست آن را اشرف غنی به عهده داشت شروع به کار نمود. لکن از شروع تشکیل و شروع به کار نمودن به یک فلج مواجه گردید که هر لحظه احتمال خطر سقوط و زوال سیستم موجود بود.

اعتراضات به نتایج دور دوم انتخابات اوضاع را به طرف بحران سوق داد، که بعد از برقراری حکومت جدید، نتایج آن، خود را در سکتور های عدلی و قضایی و اقتصادی منعکس ساخت.

تحلیل مواقع مهم در این فصل نو حیات سیاسی افغانستان روشنی بالای به وجود آمدن اختلال در عمل کرد های سیستم سیاسی می اندازد، دلیل عمده و اساسی آن مستقر نمودن و نصب شدن رقابت هائی می باشد که در هنگام دوره قبلی به وجود آمده بود، و نیز سبب به وجود آمدن موانع و مشکلات بالای ساختار های احتمالی نو که عبارت از ریفورم ها می باشد، گردید.

حکومت وحدت ملی:

شرایط تخریب و پوسیدگی سیستم سیاسی:

خلق نمودن چوکی ریاست اجرائیوی:

روی کار آمدن دولت وحدت ملی مورد انتقادات زیادی قرار گرفت. یک قسمت این انتقادات بالای خصوصیت ضد قانون اساسی بودن این حکومت بود، که دلالت به روی کار آمدن چوکی ریاست اجرائیوی می کرد.

در حقیقت به وجود آمدن این چوکی مساوی به تقسیم قدرت اجرائیوی به دو بخش بود.

فلهذا مشاجره و تندی در جر و بحث ها، مذاکرات و مناظرات که مخصوصاً اعضای ولسی جرگه را در مقابل قرار داده بود، مشخصاً بالای سوالاتی می باشد، که اعضای که مسئول تحریر قانون اساسی در هنگام لویه جرگه قانون اساسی بودند، بالای سوال خلق نمودن چوکی صدارت شدیداً توسط این اعضاء مورد جر و بحث قرار گرفته بود.

یک تضاد شدید طرفداران که موافق به سیستم سیاسی پارلمانی یعنی موافق به بوجود آمدن یک چوکی صدارت می باشند و طرفداران سیستم سیاسی ریاستی، به دلایل این که تنها یک سیستم ریاستی قوی مرکزی می تواند از پدیده های تجزیه شدن سیاسی و تجزیه قلمرو که میراث جنگ می باشد، جلوگیری کند.

از طرف دیگر طرفداران سیستم سیاسی که موافق به روی کار آمدن چوکی صدارت می باشند، طرفدار خلق نمودن سیستم فدرالی نیز هستند، در حالی که طرفداران سیستم ریاستی یک سیستم مرکزی، که نزدیک به سیستم سیاسی قبل از جنگ ها است، بودند.

ادامه دارد

marjan_kamal_107_bargasht_ba_yaaddashta_haa_13.pdf